

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

تنظیم و ویرایش: AA-AA

بادیه پیمای

دور از همه، به دامن صحرا فتاده ام
گویا مرا هم از گلِ مجنون سرشته اند
مرغم به آشیان طرب پر نمیزند
گاهی چو باد جانب خاکی وزیده ام
گاهی چو آه از جگری سر کشیده ام
گاهی به زیر طارم این نیلگون سپهر
گاهی چو صبح، دامن صبری دریده ام
گاهی محیط دردم و گاهی مُحاط غم
نبود عجب که از سر و پایم خبر نشد
خوش باد بزم عشرت یاران اگرچه من

دیوانه نیستم، مگر اینجا فتاده ام
بیرون ز شهر، بادیه پیمای فتاده ام
ای باغبان بیا که من از پا فتاده ام
گاهی چو آب در دل دریا فتاده ام
گاهی چو اشک از مژه ای وافتاده ام
سرگشته همچو آهوی صحرا فتاده ام
گاهی به جور چرخ شکیبا فتاده ام
گاه از محیط دور، به غوغا فتاده ام
آخر چو باد، بی سر و بی پا فتاده ام
در این دیار، یکه و تنها فتاده ام

یک عالم غم است مرا زندگی «اسیر»

بیهوده از عدم، چو به اینجا فتاده ام

(لشکرگاه - هلمند، ۶ میزان ۱۳۳۴ ش)